

# موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسريع محاکمات

قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسريع محاکمات/

مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)/

ماده ۱ - معسر کسی است که به واسطه عدم دسترسی به اموال و دارایی خود موقتاً قادر به تأدیه مخارج عدلیه و یا محکوم به نباشد./

ماده ۲ - مفلس کسی است که دارایی او برای پرداخت مخارج عدلیه و یا بدهی او کافی نیست./

فصل اول - اعسار در مورد مخارج عدلیه/

ماده ۳ - همین که اعسار کسی ثابت شد از مراتب ذیل استفاده خواهد کرد:/

۱) معافیت موقتی از تأدیه تمام یا قسمتی از مخارج عدلیه در مورد محاکمه که برای معافیت مخارج آن ادعای اعسار شده./

۲) حق داشتن وکیل مطابق ماده ۱۷ این قانون./

۳) معافیت از دادن تأیینی که باید اتباع خارجه بدهند در صورتی که مدعی از اتباع خارجه باشد./

تبصره - در رسیدگی به دعوی اعسار مدعی موقتاً از کلیه مخارج عدلیه مربوط به دعوی اعسار معاف خواهد بود./

ماده ۴ - معافیت از مخارج عدلیه باید برای هر دعوایی علیحده تحصیل شود - ولی معسر می تواند در تمام مراحل مربوطه به همان دعوی از حکم اعسار استفاده کند./

ماده ۵ - مرجع رسیدگی به دعوی اعسار محکمه ای است که صلاحیت رسیدگی بدوی به دعوی اصلی دارد ولو اینکه دعوی اعسار برای معافیت از مخارج مرحله استیناف یا تمیز باشد./

ماده ۶ - دعوی اعسار به طرفیت مدعی العموم اقامه خواهد شد./

هر گاه محکمه صلاحیتدار صلاحیه باشد مدیر دفتر صلاحیه سمت نمایندگی مدعی العموم را خواهد داشت./

ماده ۷ - دعوی اعسار در صورتی که برای معافیت از پرداخت مخارج مرحله بدوی باشد باید ضمن عرضحال راجع به دعوای اصلی اقامه گردد - در صورتی که برای معافیت از مخارج مرحله استیناف و تمیزی باشد به وسیله عرضحال جداگانه در محکمه مذکور در ماده ۵ اقامه خواهد شد./

ماده ۸ - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر از اشخاصی را که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند به عرضحال خود ضمیمه نماید./

در شهادتنامه مذکور باید اسم - شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت مخارج دعوایی که می خواهد اقامه کند با تعیین مبلغ آن تصریح گردد./

ماده ۹ - هویت شهود را باید نظمیه و یا تائب الحکومه محل یا کدخدا تصدیق نماید مگر اینکه شهود در نزد محکمه معروف باشند./

ماده ۱۰ - محاکمه اعسار اختصاری است./

ماده ۱۱ - مدیر دفتر مکلف است در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال اعسار دوسیه را به نظر حاکم محکمه برساند تا چنانچه حاکم حضور شهود را در جلسه محاکمه لازم بداند به مدعی اعسار اخطار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید - مدیر دفتر یک نسخه از عرضحال اعسار و ضمائم آن را برای مدعی العموم و نسخه دیگر را برای طرف دعوای اصلی ارسال و ضمناً روز جلسه محاکمه را تعیین و ابلاغ می نماید./

طرف دعوای اصلی می تواند در موقع رسیدگی به دعوای اعسار حاضر شده و اگر دلائلی بر رد اعسار دارد بیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود./

ماده ۱۲ - محکمه در روز جلسه به اسناد و شهادت شهود و امارات مستنده هر یک از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد./

محکمه می تواند به مدعی العموم و طرف دعوای اصلی در صورتی که شهودی بر رد اعسار داشته باشد اخطار کند که شهود خود را برای تحقیقات در محکمه حاضر نمایند./

ماده ۱۳ - حکم قبول اعسار قابل استیناف و تمیز نیست و از حکم رد اعسار فقط می توان استیناف داد./

ماده ۱۴ - هر گاه حکم بر رد اعسار صادر شد به طریق ذیل رفتار می شود:/

اگر حکم بدایتاً صادر و در ظرف مدت قانونی استیناف داده نشده باشد مدعی اعسار مکلف است تا ده روز پس از انقضای مدت استیناف و اگر حکم استینافاً صادر شده باشد تا ده روز پس از ابلاغ آن مخارج عرضحال دعوی اصلی را تأدیه نماید و الا قرار رد عرضحال دعوی اصلی صادر خواهد شد./

ماده ۱۵ - در صورتی که دعوی اعسار برای معافیت از مخارج استینافی یا تمیزی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر محکمه که به اعسار رسیدگی می کند حاکی از تقدیم عرضحال اعسار گرفته در ظرف مدت قانونی به عرضحال استینافی یا تمیزی ضمیمه نماید./

ماده ۱۶ - اگر معسر فوت نماید وراث او حق نخواهند داشت از حکم دائر به اعسار مورث خود استفاده کنند./

ماده ۱۷ - وکلای رسمی عدلیه مکلفند وکالت اشخاص معسر را موقتاً به طور مجانی قبول کنند. تعیین وکیل مجانی در این موارد مطابق نظامنامه‌های وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد./

ماده ۱۸ - اگر تا ده سال از تاریخ قبول اعسار معسر متمکن نگردیده دیگر مخارجی که از پرداخت آن موقتاً معاف بوده است از او مطالبه نخواهد شد./

فصل دوم - اعسار در مورد محکوم‌به/

ماده ۱۹ - مرجع رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم‌به محکمه‌ای است که بدایتاً به دعوی اصلی رسیدگی کرده است./

ماده ۲۰ - دعوای اعسار در مورد محکوم‌به به طرفیت محکوم‌له دعوی اصلی اقامه خواهد شد./

ماده ۲۱ - در رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم‌به هر گاه محکوم‌علیه برای معافیت موقتی از پرداخت مخارج عدلیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است./

ماده ۲۲ - به عرضحال اعسار در مورد محکوم‌به اوراق ذیل باید ضمیمه شود:./

۱) مدارکی که مشعر باشد بر اینکه مدعی اعسار اموالی دارد که در دسترس او نیست با تعیین قیمت اموال مزبور./

۲) شهادت کتبی لاقبل چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی مدعی اعسار مطلع باشند. در شهادتنامه مذکور باید اسم و شغل ووسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم‌به با تعیین مبلغ آن تصریح شود./

ماده ۲۳ - مقررات مواد ۹ و ۱۰ و قسمت اول ماده ۱۱ و ماده ۱۲ (جز اخطار به مدعی‌العموم) در مورد اعسار نسبت به محکوم‌به نیز رعایت خواهد شد./

ماده ۲۴ - حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم‌به قابل استیناف و تمیز است./

فصل سوم - افلاس/

ماده ۲۵ - مدعی افلاس (خواه در مورد محکوم‌به و خواه در مورد هر دین دیگر) باید به محکمه صالحه محل اقامت خود عرضحال افلاس بدهد./

به عرضحال مزبور باید صورت مشروعی از کلیه دارایی مدعی افلاس اعم از مطالبات و اموال منقول و غیر منقول و همچنین صورت مفصلی از کلیه قروض او با تعیین اسم و شغل و محل اقامت طلبکاران و بابت قرض ضمیمه شود./

کلیه طلبکارهای مدعی افلاس مدعی‌علیه‌هم این دعوی محسوب می‌شوند./

ماده ۲۶ - مدعی افلاس از تأدیه مخارج عدلیه معاف است ولی مخارج مزبور و همچنین هر مصارف دیگر عدلیه از دارایی او قبل از تقسیم بین طلبکاران موضوع خواهد شد./

ماده ۲۷ - طرز رسیدگی به دعوی افلاس - طریق تعیین مدیر تصفیه - حدود اختیارات مدیر مزبور حتی برای فروش اموال مفلس و وصول مطالبات و اقامه دعوی بر علیه مدیونین او و تشخیص مطالبات داننین. فروش اموال و تقسیم آن بین طلبکاران به موجب نظامنامه که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می‌شود معین خواهد شد./

در تقسیم دارایی مفلس بین طلبکاران اشخاصی که نسبت به مال مفلس حق عینی داشته باشد در مورد خود آن مال و یا قیمت آن حق اولویت دارند./

ماده ۲۸ - کسی که برای معافیت از مخارج عدلیه مدعی افلاس شود در حکم مدعی اعسار و مشمول کلیه مواد مربوط به کسی است که در مورد مخارج عدلیه ادعای اعسار کند./

فصل چهارم - مقررات جزایی/

ماده ۲۹ - در مورد رد عرضحال اعسار به طریق ذیل رفتار می‌شود:./

۱) در صورتی که ادعای اعسار برای معافیت از مخارج عدلیه باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را به پرداخت وجوه ذیل محکوم خواهد کرد:./

الف - دو برابر مخارج دعوای اصلی در اولین مرحله که برای معافیت از مخارج آن عرضحال اعسار داده شده در صورت تعقیب دعوای اصلی و در غیر این صورت معادل آن مخارج./

ب - حق الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار در صورتی که وکیل مطابق ماده ۱۷ برای او معین شده باشد و به شرط تقاضای وکیل./

۲) در صورتی که ادعای اعسار در مورد محکوم‌به باشد محکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را به پرداخت وجوه ذیل علاوه بر محکوم‌به اصلی محکوم می‌نماید:./

الف - به جای عشریه اجرایی معادل صدی پانزده محکوم‌به./

ب - حق الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت (ب) فقره اول همین ماده./

ماده ۳۰ - هر گاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهداً از حکم اعسار استفاده کرده است مقررات ماده فوق در مورد او به موقع اجرا گذارده شده به علاوه به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد./

ماده ۳۱ - اگر پس از قبول اعسار یا افلاس ثابت شود که شهود قضیه عامداً شهادت دروغ داده و یا برخلاف حقیقت تصدیقی کرده‌اند به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی محکوم خواهند شد./

ماده ۳۲ - اگر پس از صدور حکم اعسار یا افلاس معلوم شود که مدعی اعسار یا افلاس برخلاف واقع خود را معسر یا مفلس قلمداد کرده به مجازاتی که برای کلاهبردار مقرر است محکوم خواهد شد./

ماده ۳۳ - هر کس که به نحوی از انحا برای معسر یا مفلس قلمداد کردن کسی که معسر یا مفلس نیست با او تبانی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلبکار معسر یا مفلس قلمداد و در این موضوع با معسر یا مفلس تبانی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد./

ماده ۳۴ - از تاجر عرضحال اعسار یا افلاس پذیرفته نمی‌شود - تاجری که مدعی اعسار یا افلاس باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرضحال توقف دهد./

ماده ۳۵ - در هر موقع که معسر یا مفلس به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد ملزم به تأدیه آن است. نسبت به ورقه اجراییه که بر علیه معسر یا مفلس صادر شده مرور زمان از تاریخ تمکن جاری می‌شود و مدت آن ده سال است./

ماده ۳۶ - اگر کسی که معافیت از مخارج عدلیه را تحصیل کرده است در دعوای اصلی خود محکوم به بی حقی گردد محکوم‌له نیز از پرداخت بقیه مخارج محاکمه که به محکومیت معسر منتهی شده معاف خواهد بود./

تبصره - مفاد این ماده در مواردی نیز مجری خواهد بود که در تاریخ اجرای این قانون هنوز بقیه مخارج محاکمه از کسی که طرف دعوای معسر بوده وصول نشده باشد./

ماده ۳۷ - در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار یا افلاس که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد طلبکاران در مورد مدعی اعسار - و مدیر تصفیه - در مورد مدعی افلاس قائم مقام قانونی مدعی اعسار یا افلاس بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند./

ماده ۳۸ - اشخاصی که دارایی نداشته یا دارایی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یا بقیه بدهی خود را در مدتی که بیش از دو سال نباشد بپردازند در حکم معسر بوده و محکمه در مورد محکوم‌به یا اداره ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجرا) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و عده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد./

ماده ۳۹ - کسی که طلب خود را به غیر مدیون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مدیون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلاهبردار محسوب می‌شود./

هر گاه مدیون بدهی خود را بعد از انتقال به دائن سابق تأدیه نماید منتقل‌الیه حق رجوع به او نخواهد داشت مگر اینکه ثابت نماید که قبل از تأدیه دین انتقال را به اطلاع مدیون رسانیده و یا اینکه مدیون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است./

ماده ۴۰ - احکام اعساری که قبل از تاریخ اجرا این قانون برای معافیت از مخارج عدلیه صادر شده است فقط در مورد دعوای قابل استفاده خواهد بود که قبل از تاریخ مزبور اقامه شده باشد. حکم اعسار یا افلاسی که راجع به تأدیه محکوم‌به قبل از تاریخ اجرا این قانون صادر شده است فقط در موردی قابل استفاده خواهد بود که نسبت به آن مورد به خصوص و به طرفیت محکوم‌له صادر و قطعی شده باشد./

ماده ۴۱ - به دعوای اعساری که قبل از تاریخ اجرای این قانون در مورد مخارج عدلیه و همچنین به دعوای اعسار یا افلاسی که قبل از تاریخ مزبور در مورد محکوم‌به اقامه شده و در تاریخ مزبور نسبت به آن دعوای حکم قطعی صادر نگردیده است مطابق مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد ولی محکمه که عرضحال را قبول کرده نمی‌تواند به استناد ماده (۵) یا ماده (۱۹) و (۲۵) این قانون قرار عدم صلاحیت خود را صادر نماید./

ماده ۴۲ - مواد ۶۲۴ - ۶۲۵ - ۶۲۶ - ۷۹۸ - ۷۹۹ - ۸۰۰ - ۸۰۱ - ۸۰۲ - ۸۰۳ - ۸۰۴ قانون اصول محاکمات حقوقی نسخ می‌شود./

باب دوم - اصلاح قانون تسریع محاکمات/

ماده ۴۳ - ماده ۷۴۵ قانون محاکمات حقوقی مصوب ۱۹ ذیقعد ۱۳۲۹ نسخ و به جای مواد ۳۶ - ۳۷ - ۳۸ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ - ۶۰ - ۷۲ قانون تسریع محاکمات مواد ذیل تصویب می‌شود:/

ماده ۳۶ - در دعوای که موضوع آن وجه نقد است خسارت تأخیر تأدیه معادل مدی پانزده محکوم‌به در سال است که به نسبت مدت تأخیر از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و الا از تاریخ اقامه دعوی و در موارد مذکور در ماده ۳۴ از تاریخ صدور اولین حکم تا روز تأدیه حساب می‌شود./

تبصره ۱ - در مورد این ماده خسارت محتاج به اثبات نیست و صرف تأخیر در پرداخت برای مطالبه و حکم کافی است./

تبصره ۲ - خسارت تأخیر تأدیه در مورد معاملاتی که به عنوان بیع شرط و به طور کلی هر معامله که با حق استرداد مال (اعم از منقول و غیر منقول) واقع شده مطابق این ماده نسبت به اصل وجه معامله محسوب خواهد شد./

ماده ۳۷ - در دعوای که موضوع آن استرداد عین بوده (به استثناء موارد مذکور در تبصره ۲ ماده فوق که خسارت مطابق مقررات تبصره مزبور حساب می‌شود) و مدعی مطالبه اجرت‌المثل و یا خسارت ناشی از تنزل قیمت نماید و همچنین در موارد دیگری که موضوع دعوی وجه نقد نیست محکمه میزان خسارت را پس از رسیدگی معین خواهد کرد لیکن در مورد اجرت‌المثل اعیان مستاجر محکمه مطابق میزان اجرت‌المسمی حکم خواهد داد مگر اینکه موجد مدعی باشد که میزان اجرت‌المثل زیاده از میزان اجرت‌المسمی است که در این صورت محکمه نسبت به زیاده پس از رسیدگی حکم صادر خواهد کرد./

در مورد این ماده و ماده قبل هر گاه بین متعاملین ترتیب خاصی مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی مقرر شده باشد محکمه موافق آن حکم خواهد داد./

ماده ۳۷ مکرر - نسبت به کلیه خساراتی که قبل از ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۰ راجع به تأخیر تأدیه در محاکم عدلیه مطالبه شده است مطابق مقررات سابق قانون تسریع محاکمات عمل خواهد شد./

ماده ۳۸ - دعوای خسارتی را که به علت تأخیر تأدیه یا از بابت مخارج عدلیه و حق‌الوکاله و غیره و یا به استناد ماده ۳۷ می‌توان اقامه کرد هر گاه در ضمن جریان دعوای اصلی اقامه نشده باشد فقط تا سه سال از تاریخی که دعوای اصلی اعتبار دعوای مختومه را پیدا کرده می‌توان اقامه نمود./

ماده ۴۱ - میزان خسارت ناشی از تأخیر تأدیه را در صورتی که خسارت مزبور ضمن جریان دعوای اصلی مطالبه شده باشد محکمه مطابق ماده ۳۶ تاروز صدور حکم معین کرده و در حکم خود قید می‌کند و نسبت به خسارتی که از تاریخ صدور حکم تا روز وصول باید تأدیه شود به طور کلی حکم خواهد داد که اجرا در موقع حساب کرده و از محکوم‌علیه وصول نماید./

ماده ۴۲ - از خساراتی که به موجب ماده ۳۶ مورد حکم واقع می‌شود یک ثلث و از خساراتی که به موجب ماده ۳۷ مورد حکم واقع می‌شود صدی ۵۰ صندوق عدلیه پرداخته خواهد شد./

ماده ۴۳ - در صورتی که محکوم‌له مطالبه خسارت تأخیر تأدیه نموده و بعد صرف نظر کند صدی ۵ محکوم‌به در سال از روز ابلاغ اظهارنامه و الا از روز اقامه دعوی تا روز وصول محکوم‌له به نفع صندوق عدلیه حکم می‌شود و تأدیه این مبلغ به عهده محکوم‌علیه است./

ماده ۶۰ - رییس محکمه مکلف است در موقع صدور ورقه اجراییه در آن ورقه قید نماید که هر گاه در ظرف ده روز محکوم علیه به هیچ یک از طرق مذکور در ماده ۵۵ اقدام ننمود و یا عرضحال اعسار داد و نتوانست اعسار خود را ثابت کند و یا در مدت مقرر در ماده ۵۹ محاکمه خود را تعقیب نکرد رییس اجرا به تقاضای محکوم له محکوم علیه را توقیف نماید./

تبصره ۱ - رییس محکمه مکلف است در موقع صدور هر ورقه اجراییه در آن ورقه قید نماید که عشریه اجرا نیز از محکوم علیه گرفته شود./

تبصره ۲ - اشخاص ذیل از توقیف مصون خواهند بود:/:

۱) (مغار و مجانین. ۲) زنان حامله یا زنانی که از وضع حمل آنان چهل روز نگذشته. ۳) ولی طفلی که به واسطه توقیف او مولی علیه بی معاش می ماند. ۴) مریضی که طبیب حرکت یا توقیف او را مضر بداند./

ماده ۷۲ - در مورد اوراق اجراییه که در اول مرداد ۱۳۰۹ تمام یا قسمتی از آن اجرا نشده و به هیچ یک از طرق مذکوره در ماده ۵۵ هم عمل نگردیده و یا محکوم علیه عرضحال اعسار نداده است برای اجرا به ترتیب ذیل عمل می شود:/:

محکمه به تقاضای محکوم له ورقه اخطاریه صادر و در آن قید خواهد نمود که هر گاه تا ده روز پس از ابلاغ اخطاریه (مطابق ماده ۵۲) محکوم علیه به هیچ یک از طرق مذکوره در ماده ۵۵ اقدام ننمود و یا عرضحال اعسار داد و نتوانست اعسار خود را ثابت کند و یا در مدت مقرر در ماده ۵۹ محاکمه خود را تعقیب نکرد رییس اجرا به تقاضای محکوم له محکوم علیه را توقیف نماید لیکن اگر قبل از اول مرداد ۱۳۰۹ نسبت به اوراق اجراییه مذکور اقدامات اجرایی شده و منتهی به توقیف اموال محکوم علیه گردیده باشد ولو اینکه اموال مذکور برای تادیبه تمام محکوم به کفایت نکند محکوم له می تواند از صدور ورقه اخطاریه مذکور فوق صرف نظر کرده و تقاضای تعقیب اجراییه سابق را بنماید در این صورت عملیات مزبور تعقیب خواهد گردید تا حکم اجرا شود./

ماده ۴۴ - مجموع این قانون از تاریخ ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذاشته خواهد شد./

چون به موجب قانون دوم آبان ماه ۱۳۱۰ (وزیر عدلیه مجاز است کلیه لوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا (قانون اعسار و افلاس و اصلاح قانون تسریع محاکمات) مشتمل بر چهل و چهار ماده که در تاریخ بیست و پنجم آبان ماه یک هزار و سیصد و ده شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده است قابل اجراست./

/

پاورقی: این قانون به موجب ماده چهلیم (قانون اعسار) مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۳ (دوره نهم) نسخ شده است./

/

/

/

/

../

/

/

/

/

/

/

/

/

/